[ 49 ] كنار قبر خديجه آمد وگريست، آنگاه گفت: از من دور شو، انس گويد: از ديد آن حضرت پنهان شدم، هنگاميكه انجام نمازش طولاني شد شنيدم كه می خواند: پروردگارا ! پروردگارا ! تو مولای من هستی، رحم كن بنده أي را كه بتو پناه برده است. أي دارای صفات برجسته، تكيه ام بر توست، خوشا بحال آنكه تو مولای أو باشی. خوشا بحال كسی كه خدمتگزار شب زنده دار باشد، وگرفتاريش را با خدای خود در ميان گذارد. وبيماری ومرضی ندارد بيشتر از محبش به مولايش. هر گاه غصه وناراحتی اش را مطرح كرد، خداوند أو را پاسخ داده و اجابت نمايد. هرگاه به گرفتاری مبتلا گردد در تاريكی زاری كنان خدا را بخواند، خدا أو را گرامی داشته وبخود نزديك گرداند. _____